



گزارشی از یک روز خاص در شورای شهر؛ ناهنجاری‌های اقتصادی در شهرداری پایتخت بعد از رویکردهای فسادستیز چه وضعیتی دارند؟

پشت دیوار «بهشت»

کند. حرف‌زدن راجع به فساد که فایده‌ای ندارد، با دزد دزد گفتن‌کند دزد از دزدی دست برنمی‌دارد، باید رفت و وارد شد، مسئولان کشور که روزنامه نیستند که درباره فساد حرف می‌زنند، بله روزنامه ممکن است راجع به فساد حرف بزند، من و شما که مسئول هستیم باید اقدام کنیم. حرف دیگر چیست، وارد شوید و جلوی فساد را به معنای واقعی کلمه بگیرید.» او ادامه داد: باخبر شدیم که مجدد یکی از عناصر دفتر شهرداری به دلیل اتهامات مالی بازداشت شده است؛ قبل از عید شاهد بودیم دستگاه خدمتگزار امنیتی کشور با رصد اطلاعاتی خود، عناصری را در دفتر شهرداری بازداشت کرد که از نام‌بردن اسامی آنها به جهت حفظ آبروی افراد معذورم، اما مجدد شاهد چنین مسائلی هستیم. چه کسانی این افراد را وارد شهرداری تهران کرده‌اند، چه کسانی به این افراد مسئولیت داده‌اند؟ اینها آیا با افراد عالی رابطه مالی دارند؟ شاهدانی که به ما مراجعه کرده‌اند، آمادگی شهادت دارند، افرادی که از آنها اخاذی شده و مورد ظلم واقع شده‌اند. اگر روزی صلاح دیدید، آمادگی دارند در صحن شورا حاضر شوند.

به گفته عباسی یک رمزگشایی لازم است، خلاف واقع پشت خلاف واقع گفتن، شاید بتواند افکار عمومی را منحرف کند، ولی ما از حقیقت ماجرا مطلع هستیم، به شاهدان گفته شده که چیزی دراین‌باره نگویند، اینکه بگوییم ما فساد را مشخص کرده‌ایم، به نظر من باورکردنی نیست. از خدا بترسید. اگر کسی تصور می‌کند بیان من غلط و خلاف واقع بوده و شهرداری طیب و ظاهر است، می‌توانم در جلسات آتی با ارائه مستندات لازم ادعای خود را اثبات کنم.

پرویز سروری، نایب‌رئیس شورای شهر تهران، در واکنش به سخنان عباسی به بیان تفاوت‌های جبهه انقلاب و ضد انقلاب اشاره کرد و گفت: یکی از تفاوت‌های اصلی، موضوع ولایت‌پذیری است؛ رهبری در دیدار با اعضای شورا توصیه‌ای را مبنی بر حمایت از شهرداری که به وی رای داده بودند، بیان داشتند و این موضوع می‌تواند همراه با انتقاد از عملکرد نهاد اجرایی باشد.

او ادامه داد: در دوره سوم شورای شهر تهران برای انتخاب شهردار هفت مرحله رای‌گیری شد که در هر مرتبه تعداد آرا به صورت مساوی هفت رای بود و در مرحله آخر این تناسب با

فرمانداری را به بهانه برداشتن از مداخله شورا در امر اجرا کنار گذاشته و شورای ششم هم به جای اعمال نظارت بر اجرای مصوبه در این موضوع دنباله‌رو نظر شهرداری شده است. البته مطمئنا در شرایطی که یک عضو شورا به علت تذکر درباره موضوع این بازداشت در حوزه شهردار مورد نگو‌هش و عتاب و خطاب برخی اعضای شورا قرار می‌گیرد و مدافعان شهردار در شورا حرف‌های نماینده منتخب مردم در شورا را سبانه‌نمایی قلمداد می‌کنند، نمی‌توان انتظار داشت که شورا یا شهرداری از گزارشگران و سوت‌زنان فساد در شهرداری حمایت کنند.

ناصر امانی، عضو شورایی شهر تهران هم با اشاره به اینکه یکی از مهم‌ترین وظایف شورای شهر تهران نظارت و پیشگیری می‌گوید: جلوگیری از فساد، سوءاستفاده و رانت، تکلیف قانونی شورای شهر تهران است، اما متأسفانه ابزار کافی را برای نظارت نداریم.

علی‌اصغر قائمی، عضو دیگر شورایی شهر تهران هم در پاسخ به این پرسش که به نظر می‌آید فساد تا پشت در اتاق شهردار رفته، شورای شهر چه اقدامی برای نظارت و پیشگیری انجام خواهد داد، گفت: آقای شاه را زانگی زانگی همواره پرچمدار شعار مبارزه با فساد بوده و برای ایشان در این حوزه آرزوی موفقیت می‌کنیم، اما اینکه به تعبیر شما این فساد تا پشت در اتاق ایشان رفته، خدا را شکر می‌کنیم که هنوز داخل اتاق نرفته است. اینکه شهردار گفته است شناسایی تخلفات توسط مجموعه‌های داخلی شهرداری انجام شده، جای تقدیر دارد و امیدواریم این روش ادامه داشته باشد تا تبعات ازدهای هفت‌سرف فساد کاهش پیدا کند. اینکه در جلسه شورا آقای عباسی نسبت به این موضوع واکنش نشان دادند، نشان‌دهنده حساسیت اعضای شورای شهر به این موضوع است. و امیدواریم این گزارش‌ها در جلسات شورا چه به صورت علنی یا غیرعلنی بررسی شوند.

یک روز پیش از افشای دستگیری یکی از اعضای دفتر شهردار، علیرضا زاکانی در دومین نشست خبری خود ادعای وجود شبکه‌های فساد و تخلف در شهرداری تهران را رد کرده بود. او گفته بود شبکه فساد وجود نداشته، بلکه تخلف چند نفر بوده که خودمان در مجموعه شهرداری آن را کشف کردیم، با آن برخورد کردیم و برای برخورد دستگاه نظارتی موضوع را

به این دستگاه ارسال کردیم. به گفته او، بی‌تردید ما نسبت به تخلفات حساس هستیم و کوچک‌ترین خطا را نمی‌پذیریم، بر همین اساس صیانت از خود و اطرافیان را به همه پرسنل توصیه می‌کنیم و خوشبختانه همین روال نیز بحمدالله وجود دارد. نافی خطا نیستیم ولی به شدت نسبت به آن حساس هستیم و با خطا برخورد می‌کنیم.

شهردار تهران به رسانه‌ها توضیح داد: ما سه نوع فساد داریم که در نوع اول مال شهرداری را برده و خورده‌اند که ما تلاش می‌کنیم امکاناتی را که از شهرداری برده شده است، برگردانیم مثل همین ۲۰ هزار میلیارد تومان که برخی‌ها به ما توصیه می‌کردند که امکان ندارد آنها را برگردانیم یا همچون پرونده بردن یک شرکت ما که ۶۰۰ میلیارد تومان ارزش داشت اما سه میلیارد تومان گرفته بودند و پرونده به‌گونه‌ای بود که معاون مالی ما شخصا دنبال بازپس‌گیری این مورد بود و در یک مورد دیگر حق شهرداری که باید پس گرفته شود دقیقا نصف بودجه اسفال است.

او با بیان اینکه ۴۸ پرونده مشارکتی داشتیم که ۴۷ مورد آن محکوم به شکست بود، گفت: ابایی نداریم که حقوق شهر را از کسانی که برده‌اند پس بگیریم و بدون خجالت بیکبار این موضوع هستیم تا حق شهر را از آدم‌های بزن و برو پس بگیریم.

هشت رای موافق و به نفع شهردار وقت تغییر کرد؛ پس از این انتخاب، اما تمامی اعضای شورای شهر به صورت یکپارچه در حمایت از آقای قالیباف ایستادند که نتیجه آن بالا رفتن پرچم جریان انقلاب و تبدیل شهر به قطب سازندگی بود. حال اگر افرادی که به آقای قالیباف رای نداده بودند، عنوان می‌کردند که وی شهردار ما نیست، آیا باز هم می‌توانستیم شاهد این عملکرد باشیم؟

وی دومین شاخصه جبهه انقلاب را انقلابی عمل‌کردن و گذشتن از خود در جبهه انقلاب دانست و گفت: اگر اعضای شورای شهر تهران بخواهند روی زخم‌ها بنشینند و شهر را به حاشیه ببرند، آیا واقعا با این دو شاخصه انطباق دارد یا اینکه با فرارگیری در اخبار رسانه‌های معاند، در جریان آنها قرار می‌گیریم. اینکه برخی می‌گویند که می‌خواهند موضوعات پشت پرده را بیان کنند و به بیان شفاف موضوعات نمی‌پردازند، گناه کبیره‌ای است که موجب تشویش اذهان عمومی می‌شود. نایب‌رئیس شورای شهر تهران با اشاره به بیان یکی از بزرگان درباره بازی شطرنج گفت: در این بازی تمام مهره‌ها کشته می‌شوند الا شاه که با مات‌شدن بی‌اعتبار می‌شود؛ حال شهردار بی‌اعتبار آیا می‌تواند منشأ خدمات ارزشمند در شهر باشد؟

دستگیری مدیران در شهرداری تهران بی‌سابقه نیست. از شهردار تا قائم‌مقام شهرداری که بسیاری او را شهردار در سایه تهران توصیف می‌کردند. اما بهروز شیخ‌رودی، معاون محاسبات و پایش عملکرد شورای پنجم، دستگیری اعضای دفتر شهردار را کم‌سابقه دانست و به «شرق» گفت: از گذشته تا حال در ذهن و زبان مردم به درست یا غلط شهرداری و فساد دو یار جدانشدنی هستند، اما در طول ادوار مختلف مدیریت شهری سابقه نداشته که فردی از مجموعه دفتر شهردار تهران بازداشت شود اما اکنون در دورانی که زاکانی به عنوان یک فرد مدعی فسادستیزی مسئول شهرداری تهران را در دست دارد، در تذکر یک عضو شورا می‌نشینم که یکی از اعضای دفتر شهردار تهران به دلیل اتهامات مالی بازداشت شده است، اینکه این فرد با ارائه اطلاعات از سوی شهرداری توسط مراجع ذی‌صلاح دستگیر شده یا با اقدامات دستگاه‌های مسئول، تفاوتی در اصل موضوع ایجاد نمی‌کند.

در ادوار گذشته مدیریت شهری ما بازداشت کارکنان، مدیران، شهرداران و حتی یک مسورد بازداشت قائم‌مقام شهردار تهران را بعد از پایان دوران مسئولیتش شاهد بوده‌ایم، اما در هیچ دوره‌ای شاهد بازداشت فردی از مجموعه دفتر شهردار تهران به‌عنوان ستاد مدیریتی شخص شهردار تهران نبوده‌ایم که ریشه این امر را در حساسیت شهرداران نسبت به حوزه دفترشان باید جست‌وجو کرد، اینکه در این دوره در حوزه شهردار تهران اتهاماتی طرح و منجر به بازداشت یک فرد می‌شود، نشان‌دهنده آن است که برخلاف ادعاهای مطرح‌شده درباره فسادستیزی، سطح حساسیت نسبت به فساد آن‌قدر پایین بوده که در چند قدمی دفتر شهردار تهران اقداماتی انجام داده که منجر به بازداشتش شده است.

شیخ‌رودی در ادامه با اشاره به مصوبه شورای پنجم درباره صیانت از گزارشگران فساد در شهرداری افزود: در شهرداری درحالی‌که ادعای مبارزه با فساد گوش فلک را کر کرده، شاهد آن هستیم که مصوبه شورای پنجم برای حمایت و صیانت از گزارشگران فساد و ترویج سوت‌زنی در شهرداری کنار گذاشته شده است و از ابتدای دوره ششم مدیریت شهری تاکنون این مصوبه قانونی شورا به بهانه‌های مختلف از سوی شهرداری و شورا اجرا نشده است. شهرداری تهران مصوبه مورد تأیید

بیانیه انجمن اسلامی معلمان ایران به مناسبت هفته بزرگداشت مقام معلم

به نام خالق قلم، چنانچه جامعه‌های به صدق، بر آن است تا امر خطیر آموزش و پرورش را اعتلا بخشد و نهاد آن را ارتقا دهد، بایستی گستره نگرش خویش را از انجام امور صرفا نمادین فراتر برده و به فعالیت‌های نهادین روی آورد. وگرنه با انکارکردن به آیین‌ها و آیین‌نامه‌ها و نیز خرسندبودن به رسومات و مرسومات صرف، هیچ حرکت زیربنایی رخ نخواهد داد!

هفته بزرگداشت مقام معلم که مزین به نام شهید مطهری و نکوداشت زنده‌یاد خانعلی است، می‌تواند به موازات «تحسین‌ها و تجلیل‌ها»، آغازگاهی باشد تا با «نگاهی نوین» به «جایگاه تعلیم و تربیت» در تعالی جامعه، به‌ویژه «نقش بی‌بدیل معلم» منجر شود و در تحقق این مهم با رویکردی آسیب‌شناسانه به اجمال به عملکرد دولت در این ارتباط اشاره می‌کنیم.

در این راستا، حتی با نیم‌نگاهی گذرا می‌توان به رخدادهای تلخ بیست‌ماهه گذشته در حوزه آموزش و پرورش، از معرفی وزرای ضعیفی که

عاجز از گرفتن رای اعتماد بودند، تا وزیر ناکارآمد و ناکاربدلی که در نهایت تأسف به حداقل‌های قواعد مدیریتی و آیین‌نامه‌ها وقوف نداشتند، اشاره کرد!

همان به‌اصطلاح مدیری که به‌عنوان مثال در حوزه انتصابات، برخلاف قواعد مدیریتی و ضوابط اداری بعضا چنان ناشایانه از نیروهای عاری از آموخته‌ها و خالی از اندوخته‌های مرتبط بر امر آموزش و پرورش و نهاد آن استفاده نمود و نیز در پایان سال گذشته در پرداخت حقوق اسفند ماه معلمان آنچنان نمایش ناشایانه‌ای را برپا نمود و کام جامعه نجیب معلمان را تلخ کرد که سرانجام، دولت ناچار شد علی‌رغم قصور و اشکالاتی که متوجه دولت و سازمان برنامه و بودجه بود، به‌ناگاه او را در قالب استعفایی صوری، از کابینه اخراج نماید. تا شاید به زعم خود بتوانند به جامعه این‌گونه القا کند که مقصر ابتدا و انتهای همه این چالش‌ها، ایشان بوده و هست!

در در ادامه می‌توان از مسمومیت دانش‌آموزان، اجرای ایتر و حاشیه‌ساز رتبه‌بندی

معلمان، عدم توجه به پاسخ‌گویی محترمانه و بهنگام مطالبات بحق فرهنگیان شاغل و بازنشسته پیرامون موضوعات مهمی مانند صندوق ذخیره فرهنگیان و طرح هسنان‌سازی حقوق …و ایجاد مضایق برای فعالان صنفی، سیاسی، فرهنگی و جدیدتر از همه، انتصاب سیرمستی با داشتن نگاهی مغایر با ماهیت تربیتی، معلمی، به‌عنوان سایر چالش‌های ضد توسعه ابرسازمان آموزش و پرورش نام برد.

با این‌اشاره مجمل و به شرط عبور عبرت‌آمیز از آنچه گذشت، انجمن اسلامی معلمان ایران به مانند همیشه و همسو با رسالت اصلی خود و با هدف اصلاح و اكمال وضع موجود، پیشنهادهای مبتنی بر مطالعات صورت‌گرفته خود را در معرض افکار عمومی، خاصه محضر جامعه جلیل‌القدر فرهنگیان، اعلان می‌دارد.

به این امید که عموم تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران نهاد عظیم تعلیم و تربیت، به‌ویژه ریاست دولت سیزدهم که در آستانه

اتخاذ تصمیم سرنوشت‌ساز معرفی وزیر پیشنهادی هستند، به آنها توجه جدی داشته باشند.

یکم- حیطه فرهنگ و عرصه آموزش و پرورش، نه‌تنها از اهداف توسعه فاصله گرفته، بلکه به استاد آمارهای متقن به میزان چشمگیری از رشد عرفی و هم‌ترازی با متوسط جهانی جامانده است؛ و متأسفانه به دلیل سیاست‌های انسدادی و محیط تعلیم و تربیت و مدیریت ناتوان و ناکارآمد و ناپایدار حاکم بر آموزش و پرورش، به‌شدت در مسیر نقصان کمی و کیفی حرکت می‌کند؛ که هرچه سریع‌تر باید دراین‌باره چاره‌اندیشی شود.
دوم- ضرورت حیاتی دارد امر خطیر آموزش و پرورش، اولویت فرهنگی و مسئله نخست کشور و معلم نیزز رکن‌رکین آن باشد و با اعتقاد به این نگاه بنیادین، مسائل مهمی چون سامان‌دهی، جذب و نگه‌داشت نیروی انسانی، آموزش و بهسازی، افزایش انگیزه کارکنان و ارتقای کیفیت آموزشی، در دستور کار ویژه دولت قرار گیرد.

سوم- مدرسه از چنان جایگاه تربیتی برخوردار است که خانه دوم دانش‌آموز تلقی می‌شود. لذا این خانه باید محیطی امن، و فضایی سرشار از آسایش برای دانش‌آموزان باشد. از این‌رو، وقوع هرگونه رخداد مخلی مانند استمرار مسمومیت‌های اخیر، می‌تواند نقطه‌مقابل این شرایط حیاتی باشد. پس شایسته و بایسته است با تغییر نگاه و اصلاح روندها و رویکردها، هرچه سریع‌تر نهاد مدرسه به کارکرد اصلی خود که همانا بستری برای علم‌آموزی، بیش‌اندوزی، کسب مهارت، آشنایی با آداب انسانی و فراگیری آیین اسلامی می‌باشد، برگردد.

چهارم- حال که دولت در آستانه معرفی وزیر پیشنهادی جدید برای بزرگ‌ترین دستگاه اجرایی و سترگ‌ترین نهاد فرهنگی و فرهنگ‌ساز کشور می‌باشد، مجدانه انتظار می‌رود فرد معرفی‌شده دارای شاخص‌هایی باشد که بتواند

کشتی گرفتار در دریای متلاطم کژاندیشی‌ها و کج‌روی‌ها را به ساحل تعادل و تعالی برساند. که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:
۱- برخورداری از مقبولیت و محبوبیت بالا در قشر فهیم فرهنگیان.

۲- داشتن پیشه معلمی و طی‌کردن مدارج اجرایی و مراتب سازمانی در سطوح مختلف مدیریتی آموزش و پرورش، از صف تا ستاد. و به تبع آن، آگاهی کامل از تمامی معایب، موانع، مضایق و سایر چالش‌های پیدا و پنهان آموزش و پرورش (معلم، دانش‌آموز، کتب درسی،

فضاهای آموزشی و پرورشی و…).

۳- غیوربودن به ساحت آموزش و پرورش، داشتن تعلق خاطر به ذی‌نفعان آن، یعنی معلمان ارجمند و دانش‌آموزان عزیز و نیز مقیدبودن به صیانت همه‌جانبه از منافع مادی و معنوی آموزش و پرورش، با این‌باور مهم که این دستگاه بزرگ نیازمند به توسعه پایدار، مشتاق و محتاج نگرش پیشرو و سرمایه‌محور است، نه نگاه پیش پا افتاده مصرف‌گرا و خدماتی.

۴- اعتقاد راسخ به مدیریت مشارکت‌جو، به منظور بهره جستن از ظرفیت والای فرهنگیان و انسجام‌بخشی به این جمع متکثر و نیز داشتن روحیه امیری و رویکرد امرانه (مستقل)؛ و نه صرفا خلق آمرانه، و بدتر از آن، خوی مأمورانه (وابسته) و نیز امتناع از هرگونه امتیازدهی بی‌مبنا، یک‌طرفه و بدون توجیه علمی، آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به اشخاص حقیقی و حقوقی و نهادهای دولتی و غیردولتی!

پنجم- رتبه‌بندی معلمان که به ایده زیباست، می‌تواند به دیده نیز زیبا باشد. اما اجرای کمرمق، با اتکای به منابع کمرقم که معلول عدم به‌کارگیری افراد بزرگ و نیز عدم به‌کاربستن افکار بزرگ در مسیر این کار بزرگ بود، مانع از آن گشت تا شاهد تحقق جامع و جذاب این طرح تحول‌آفرین و دو نمره سازنده آن، یعنی اعتلای امر تعلیم و تربیت، و ارتقای

نهاد آن، باشیم!

لذا، بسیار بسیار ضروری است تا با اتخاذ تدابیر نوین و تمهیدات بروز، به فوریت روند اجرای معایبر یا عدالت این طرح، در مسیر عادلانه آن قرار گیرد.

ششم- خروج همه نهادهای نقش‌آفرین، اعم از دولت و مجلس و… از بن‌بست عدم برنامه‌ریزی‌های پیشگیرانه و فعالیت‌های پیگیرانه و پرهیز از رفتار منفعلانه در قبال مطالبات، انتقادات، اعتراضات، شکوه‌ها و گلایه‌های قشر ساعی و صبور معلم و همچنین دانش‌آموزان عزیز و اولیای گرمی آنان و همزمان، رسیدگی قاطع و قانونی به تمامی سهل‌انگاری‌ها، کم‌کاری‌ها، کارشکنی‌ها، قصورها و تقصیرهای صورت گرفته، در تمامی رخدادهای ماه‌های اخیر.

هفتم- اهتمام مجده، به امر خطیر تضارب اندیشه و التزام جدی به مقوله مهم خرد جمعی و نیز آفرینش بستر مناسب برای تحقق این مهم از طریق ایجاد «سازمان نظام معلمی» به‌عنوان عالی‌ترین مرجع تصمیم‌سازی و کیفیت بخشی در ساختار و محتوای نظام تعلیم و تربیت.

هشتم- رویکردانی از رویکرد مغایر با فضای فرهنگی آموزش و پرورش در برخورد با معلمان منتقد مستقیم، یا عضو تشکل‌های صنفی و سیاسی قانونی و گاه محروم‌نمودن منتقدان از حق رتبه‌بندی یا محدودنمودن آنان در رتبه‌های پایین‌تر.

نهم- پرهیز از جذب عجولانه و غیرکارشناسی نیروهای نامتخصص حوزوی که البته در جایگاه خود مفید و محترم هستند؛ در هم در منصب حساس معلمی که لازمه احراز این شغل پیچیده علمی و آموزشی، حداقل در گرو گذراندن چهار سال تحصیل در دانشگاه جامع فرهنگیان با هدف آموختن دانش تخصصی و اندوختن بیش حرفه‌ای می‌باشد.

من الله توفیق، انجمن اسلامی معلمان ایران، اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۲